



«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

محمد نوروزی^۱ | مهدی سیدزاده ثانی^۲

چکیده

«جرائم علیه بشریت» از جمله نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل کیفری و صورت‌های فوق‌العاده خشونت جمعی است که جزئی از یک حمله سیستماتیک و یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیرنظامی بوده و معمولاً توسط کارگزاران حکومتی صورت می‌گیرد. هدف از نگارش این مقاله امکان‌سنجی «بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی می‌باشد. روش کار در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اصیل کتابخانه‌ای صورت گرفته است. به نظر می‌رسد بازداشت اداری فلسطینیان که بدون حکم قانونی و معمولاً به دلایل امنیتی صورت می‌گیرد، به مثابه جنایت علیه بشریت قابل مطالعه است. در واقع از آنجا که رژیم صهیونیستی خارج از اصول متوسل به این عملیات شده و به ناروا حق آزادی شخصی غیرنظامیان فلسطینی را مورد تجاوز قرار می‌دهد، با استناد به عنوان مجرمانه‌ی «حبس» و یا «تعقیب و آزار» در بندهای (ه) و (ح) از ماده‌ی ۷ اساسنامه قابل تعقیب می‌باشد. همچنین به واسطه عدم رعایت بایسته‌های بازداشت توسط عمال رژیم صهیونیستی، ارتکاب این جنایت به واسطه تحقق بند (ک) از مقرر مذکور دور از ذهن نیست؛ چرا که این موضوع در راستای سیاست رژیم برای اقدام علیه جمعیت غیرنظامی فلسطین صورت گرفته و باعث ایجاد رنج و آسیب جدی به سلامت بازداشت‌شدگان می‌گردد.

واژگان کلیدی: جرائم علیه بشریت، بازداشت اداری، اساسنامه‌ی رژیم صهیونیستی، فلسطین

DOI: 10.27834/CSIW.2404.1390.2.33.5

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول). m.f-
noroozi@mail.um.ac.ir

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. seidzadeh@um.ac.ir

استناد: نوروزی، محمد و سیدزاده ثانی، مهدی. (۱۴۰۳). «بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۲)، ۱۰۸-۱۳۲.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

از جمله حقوق طبیعی افراد، آزادی رفت و آمد بوده که به موجب آن افراد حق دارند به هر کجا که تمایل داشته، بروند (Parvizi fard, 2012: 77). با وجود این، این حق به طُرُق مختلف محدودیت پذیر بوده که عمده ترین آن از طریق بازداشت غیرقانونی صورت می گیرد. در لغت «بازداشت» به معانی منع، ممانعت، توقیف، حبس و جلوگیری آمده (Amid, 2010: 203) و در تعریف اصطلاحی آن می توان گفت که این یک اقدام سالب آزادی بوده که به موجب آن شخصی برای مدت محدود و مشخص و به دستور مقام قضایی تحت اختیار قرار می گیرد (Ansari, 2001: 435). بدین ترتیب بازداشت غیرقانونی، بازداشتی است که بدون دستور مقام قضایی صورت گرفته؛ مدت آن محدود و مشخص نبوده و یا آن که فاقد هر دو ضابطه‌ی مذکور باشد. با وجود این در حقوق کیفری معاصر، مفهومی تحت عنوان «بازداشت اداری»^۱ شکل گرفته که به رغم فقدان تمام یا برخی از ضابطه‌های فوق‌الذکر، در برخی نظام‌های حقوقی و حقوق بین‌الملل کیفری قانوناً پیش‌بینی و اعمال آن قابل ملاحظه می‌باشد.

منظور از «بازداشت اداری» توقیف افراد قبل از ارتکاب جرم بوده که بدون دستور قضایی و به منظور پیشگیری از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد.^۲ در واقع بسیاری از کشورها اعم از دموکراتیک و یا غیر دموکراتیک، جهت پیشگیری و مقابله با جرایم امنیتی چون تروریسم و حفاظت از رژیم حاکم، به بازداشت اداری متوسل می‌شوند.^۳ البته جواز کاربست این عملیات منحصر به نظام‌های کیفری کشورهای مذکور نبوده، بلکه مشروعیت اعمال آن در اسناد بین‌المللی نیز قابل ملاحظه می‌باشد؛ تا آنجا که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اقدام به ارائه تعریف تخصصی از بازداشت اداری کرده و آن را «محروم کردن از حق آزادی بنا به دستور شاخه‌های اجرایی نه دستور قضایی و بدون طرح اتهام جنایی علیه فرد بازداشت شده» دانسته است (Pejic, 2005: 375). مطابق با فحوی مواد ۴ و ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز در صورت وجود یک اضطرار عمومی^۴ که جان شهروندان

^۱Administrative detention.

^۲ https://www.btselem.org/topic/administrative_detention

^۳ جهت مشاهده‌ی کشورهای که در نظام حقوقی خود به این عملیات متوسل شده‌اند ر.ک:

https://en.wikipedia.org/wiki/Administrative_detention

^۴ public emergency.

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

ملتی را تهدید کند، می‌توان اقدام به برپایی بازداشتگاه اداری کرد. بدین ترتیب علاوه بر برخی نظامهای کیفری کشورها، در حقوق بین‌الملل کیفری نیز بازداشت اداری ضابط‌مند که مستلزم رعایت یک‌سری بایسته بوده^۱، دارای مشروعیت می‌باشد.

رژیم صهیونیستی از محدود طرف‌هایی است که علاوه بر استناد به یک سری قوانین داخلی چون قانون «دفاع اضطراری»^۲، با تمسک به سند بین‌المللی فوق‌الذکر به «بازداشت اداری» فلسطینیان در مقیاس وسیع اقدام می‌کند. البته اعمال «بازداشت اداری» از سوی این رژیم با اتکا به مقررات داخلی «دفاع اضطراری» که در سال ۱۹۴۵ توسط انگلیسیان در کرانه باختری تصویب شده، دال بر نقض حقوق بین‌المللی از سوی این رژیم می‌باشد؛ چرا که این قانون در ۱۹۴۸/۵/۱۴ توسط دولت انگلیس لغو گردید و لذا جزئی از قوانین کرانه باختری دیگر محسوب نمی‌شود (Shokri, 2017: 153-156). از طرفی ماده ۴۳ توافقنامه لاهه مصوب ۱۹۰۷ که رژیم مذکور نسبت به آن اعلام پایبندی کرده، تصریح می‌کند که نیروهای اشغالگر حق تغییر وضعیت قانونی کشور اشغال شده را ندارد؛ تا آنجا که دادگاه عالی رژیم اشغالگر قدس بر مبنای این مقرر در سال ۲۰۰۰، اجازه‌ی بازداشت اداری شهروندان لبنانی را نداد (Farsnews, 2016). با وجود این و به رغم فقدان قانونی در خاک فلسطین که اجازه بازداشت اداری را دهد، بعضی دستورهای نظامی در کرانه باختری با تغییر وضعیت قانونی، بازداشت اداری فلسطینیان را به ناروا توجیه کرده و ابزارهای مورد نیاز برای انجام آن را فراهم می‌کند؛ چنانکه هم اکنون بازداشت‌های اداری بر پایه‌ی دستور نظامی به شماره ۱۵۹۱ که در سال ۲۰۰۷ صادر شد، انجام می‌گیرد (Quds News Agency, 2012). بدین ترتیب بازداشت اداری فلسطینیان تنها در چارچوب قوانین بین‌المللی قابل مطالعه بوده و از آنجا که اعمال این بازداشت

در اسناد حقوق بشری وضعیت «اضطرار عمومی»، تهدید آنی حقوق بنیادین اشخاص در محدوده زمانی و مکانی مشخص است، به گونه‌ای که نظم عمومی را به شدت مختل می‌کند. از منظر حقوق بشر مولفه‌های اضطرار عمومی عبارتند از تهدید عینی یا قریب‌الوقوع که استثنائی بوده و علیه حیات منسجم اجتماعی می‌باشد (Shamloo & Yoosefi, 2017: 105).

^۱ برای مشاهده‌ی این بایسته‌ها مراجعه کنید به: Shokri, P. (2017). *The Situation of Palestinian Detainees in the light of International law*. Thesis for Degree of Master of science (MSC) In International Law. The University of Qom, pp 152-153

^۲ The Defence (Emergency) Regulations, 1945.

معمولاً در شرایط اضطراری صورت نمی‌گیرد، دارای توجیه بین‌المللی هم نمی‌باشد. از طرف دیگر توسل به آن همراه با رعایت بایسته‌های اصولی بین‌المللی نیست؛ چنان‌که این بازداشت‌شدگان از ساده‌ترین حقوق خود مانند مطلع شدن از علل بازداشت، محروم بوده و یا آن‌که اقدام به تمدید مکرر این بازداشت باعث مبهم و یا طولانی شدن زمان آن می‌شود.

هدف از نگارش این مقاله، امکان‌سنجی «بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه «جنایت علیه بشریت»^۱ می‌باشد. «جنایت علیه بشریت»، جنایات توده‌وار علیه یک جمعیت غیرنظامی هستند که توسط دولت و یا سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند طراحی شده و ارتکاب می‌یابد. این نوشتار با رجوع به دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای اساسنامه رم^۲ در کنار رویه قضایی در پی اثبات این موضوع است که به علت عدم رعایت بایسته‌های بین‌المللی «بازداشت‌های اداری» در نوار غزه، انجام این عمل مشمول عنوان مجرمانه‌ی «دیگر اعمال غیرانسانی» مندرج در بند «ک» ماده ۷ اساسنامه رم می‌شود؛ چرا که عدم رعایت بایسته‌های مذکور از یک طرف موجب ایجاد رنج یا آسیب جدی به سلامت شهروندان شده و از طرف دیگر در راستای سیاست رژیم اشغال‌گر صهیونیستی علیه جمعیت غیرنظامی فلسطینیان می‌باشد. همچنین از آنجا که رژیم صهیونیستی خارج از اصول متوسل به این عملیات شده و به ناروا حق آزادی شخصی فلسطینیان را مورد تجاوز قرار می‌دهد، به نظر نویسندگان حسب مورد با استناد به عناوین مجرمانه‌ی «حبس»^۳ و «تعقیب و آزار»^۴ در بند (ه) و (ح) از متن اساسنامه می‌توان بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی را جنایت علیه بشریت دانست. در این راستا، پس از تشریح پیشینه‌ی پژوهش به تبیین مفهوم و جایگاه «بازداشت اداری» در حقوق فراملی پرداخته و در قسمت بعد مقاله نیز امکان وقوع جنایت علیه بشریت از طریق بازداشت‌های اداری فلسطینیان را بررسی نموده و عناصر مشترک بین این دو را تحلیل خواهیم نمود. در ضمن می‌بایست به این نکته اشاره داشت که روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اصیل کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

¹ Crimes against humanity.

² International Criminal Court (ICC).

³ Imprisonment.

⁴ Persecution.



۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با مفهوم «جنایات علیه بشریت» که توسط دولت و سازمان‌های صاحب قدرت سیاسی طراحی شده و توسط عمال آنها اجرا می‌شود، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ لکن در حوزه بررسی انطباق اقدامات رژیم صهیونیستی بر مصادیق جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی مطالعات محدودی صورت گرفته است. به عنوان نمونه خانم فاطمه السادات قریشی محمدی (۱۴۰۲) در مقاله خود با نام «سیاست کوچ اجباری ساکنان غزه از سوی اسرائیل از منظر فقه و حقوق کیفری بین‌المللی» با این بحث که در حقوق بین‌الملل به استناد ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، نفی بلد و کوچ اجباری در زمره جنایات علیه بشریت قرار دارد، این گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع حاکم بر کوچ اجباری فلسطینی‌ها و ساکنان غزه توسط رژیم صهیونیستی، این اتفاق می‌تواند به مثابه یک جنایت علیه بشریت تلقی گردد. همچنین آقای صادق سلیمی و حبیب کاشانی (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی انطباق اقدامات رژیم اسرائیل بر مصادیق جنایت علیه بشریت در سرزمین‌های اشغالی»، با این بحث که جنایت علیه بشریت شامل مصادیق و عناصر متعددی چون «قتل، به بردگی گرفتن، ریشه کن کردن، محبوس کردن، شکنجه، خشونت‌های جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص» می‌باشد، به تحلیل و تطبیق اعمال ارتكابی رژیم صهیونیستی بر این جنایت به نحوی که در اسناد بین‌المللی منعکس است، پرداخته و در نهایت راهکار مقابله با آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

بدین ترتیب گرچه مطالعاتی به منظور شناخت برخی اقدامات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان به مثابه یک جنایت علیه بشریت صورت گرفته، لکن این مقاله برای اولین بار با تبیین جایگاه حقوقی بازداشت اداری افراد در حقوق فراملی و همچنین رژیم حقوقی صهیونیست، درصدد معرفی آن به عنوان یک جنایت علیه بشریت در خاک فلسطین می‌باشد. البته در خصوص بازداشت اداری فلسطینیان گزارشات خبری مختصری به چشم می‌خورد؛ چنانکه در گزارشی تحت عنوان «بازداشت اداری؛ سیاست سیستماتیک رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها» سایت خبری خبربان به نقل از الجزیره این موضوع پرداخته (۱۴۰۳) و اذعان داشته است که اسرائیل امروز تنها طرفی است که طبق سیاست بازداشت اداری عمل می‌کند. همچنین سایت خبری هادی نیوز (۱۴۰۳) در گزارشی تحت عنوان «از بازداشت اداری تا شکنجه‌های اسرائیلی» بازداشت گسترده فلسطینیان به دلیل ترس از آنچه

در آینده اتفاق خواهد افتاد را مصداق بارز نقض حقوق بشری دانسته است. بدین ترتیب در رابطه با جنبه نوآوری این پژوهش باید گفت که در آن ضمن تبیین جایگاه حقوقی عملیات بازداشت اداری، برای نخستین بار به امکان‌سنجی بازداشت‌های اداری فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم و جایگاه «بازداشت اداری» در حقوق فراملی

همان‌طور که گفته شد، منظور از «بازداشت اداری»، توقیف افراد قبل از ارتکاب جرم به استناد احتمال ارتکاب آن در آتی است، بدون آنکه دلایل بازداشت اعلام گردد. بدین ترتیب این بازداشت، جلوه‌ای بارز از مفهوم «عدالت پیشگیرنده» است که به موجب آن اتخاذ تدابیر کنشی قهرآمیز به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم و نیز اتخاذ تدابیر لازم نسبت به افرادی که در آستانه ارتکاب اعمال مجرمانه قرار دارند، به یکی از رویکردهای اساسی در زمینه مقابله با بزهکاری تبدیل شده است (Shamloo & Khalili paji, 2020: 131-132). بدین ترتیب عدالت و تأمین نظم و امنیت از این منظر نه از طریق واکنش کیفری، بلکه به صورت جلوگیری از ایراد صدمه و آسیب به نظم و امنیت جامعه و حقوق بزه‌دیده‌گان محقق می‌گردد. این مفهوم همزمان که در حقوق داخلی برخی کشورها به عنوان رویکرد و مدل اصلی مقابله با جرایم تروریستی و امنیتی مورد استفاده قرار گرفت^۱، با برخاستن از مفاهیمی چون «دفاع پیشگیرانه»^۲ به عرصه حقوق و روابط بین‌الملل نیز راه یافته و به توجیهی برای مقابله با تهدیدات خارجی تبدیل شد. در این رابطه دانیل وبستر^۳ وزیر خارجه وقت آمریکا در سال ۱۸۴۱ میلادی در قضیه کارولین^۴ مطرح کرد که در صورت اقتضای دفاع در قبال یک تهدید قریب‌الوقوع، طرف تهدید از این حق برخوردار است که متوسل به اقدامات پیشگیرانه شود (Freedman, 2010: 153).

^۱ برای مطالعه‌ی بیشتر در این حوزه رک: (Nemati, L & Seyed Morteza Hosseiny, R & Mahdavi pour, A. (2020). Anticipatory Approaches to Restraining Terrorism. *Journal of Criminal Law Research*. 8(30). 231-258)

^۲ Preventive/Anticipatory self defense.

^۳ Daniel Webster.

^۴ Caroline Case.

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

بدین ترتیب علاوه بر حقوق داخلی برخی کشورها، در حقوق بین الملل نیز تحت شرایط خاص و استثنایی، «بازداشت‌های اداری» به عنوان جلوه‌ای از «عدالت پیشگیرنده» پذیرفته شده است. در این رابطه ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی کرده که: «هر گاه یک خطر استثنایی عمومی موجودیت ملتی را تهدید کند و این خطر به طور رسمی اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که شرایط ایجاد می‌کند، اتخاذ کنند». قسمتی از ماده ۹ این میثاق به تبیین شرایط تحقق بازداشت در شرایط عادی پرداخته است. به موجب بند ۳ این مقرر، تنها پس از ارتکاب جرم می‌توان افراد را توقیف کرد. بدین ترتیب در شرایط فوق‌العاده و اضطراری می‌توان از این ضابطه تخطی کرده و به بازداشت پیشگیرانه و اداری متوسل شد.^۵ از آنجا که این عملیات، تجاوز آشکار و مبرهن با حقوق بشر است، جواز انجام آن منوط به وجود شرایط فوق‌العاده و اضطراری دانسته شده، طوری که موجودیت یک ملت در خطر قرار گرفته باشد. در این رابطه رژیم صهیونیستی سالهای مدیدی است که به بهانه‌ی کذب فوق‌العاده بودن اوضاع و شرایط حاکم بر منطقه‌ی نوار غزه، به طور گسترده اقدام به بازداشت اداری معترضان فلسطینی کرده، طوری که به گفته علام الکعبی نماینده اسیران در جبهه مردمی برای آزادی فلسطین، «رژیم اشغالگر صهیونیستی از سیاست بازداشت اداری در سطح گسترده و برای خفه کردن صدای مبارزه فلسطین استفاده می‌کند» (Irna news agency, 2019). این در حالی است که بایسته‌های بازداشت توسط این رژیم معمولاً رعایت نمی‌شود. این موضوع ایجادکننده‌ی این مسئله است که آیا اقدامات صهیونیست‌ها جهت بازداشت اداری فلسطینیان، به عنوان جنایتی علیه بشریت قابل مطالعه می‌باشد یا خیر؟! لذا هدف این نوشتار توجه به جنبه مسئولیت کیفری کارگزاران و گماشتگان رژیم صهیونیستی در این مسئله می‌باشد. برای نیل به این مطلوب، در ادامه امکان وقوع جنایت علیه بشریت با ارتکاب بازداشت اداری را بررسی نموده و به این منظور عناصر مشترک این دو را تحلیل خواهیم کرد.

^۵ برای مشاهده نظر مشابه رک: (Shokri, P. (2017). *The Situation of Palestinian Detainees in the light of International law*. Thesis for Degree of Master of science (MSC) In International Law. The University of Qom, p. 151)

۳- بازداشت اداری فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت

ماده ۷ اساسنامه رم که سند موسس دیوان بین‌المللی کیفری بوده، به تعریف جنایت علیه بشریت پرداخته است. به موجب این معاهده، توسل به جنایاتی جدی و فاحش که بخشی از یک حمله‌ی گسترده و سازمان‌یافته علیه یک گروه غیرنظامی به صورت آگاهانه باشد، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. در ادامه‌ی ماده هفت، مصادیق جنایت علیه بشریت در ۱۱ بند تشریح شده که شامل موارد متعددی است؛ از جمله قتل عمد، نابودسازی، شکنجه، تجاوز جنسی، حبس، بردگی، آزار و اذیت هدفمند و نیز اعمال عامدانه رنج و آسیب جسمانی شدید. این تعریف از جنایت علیه بشریت و به‌ویژه اقداماتی که در بند (ک) ماده هفت شرح داده شده^۱، با موضوع این مقاله که به مطالعه‌ی امکان‌سنجی «بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی می‌پردازد، مطابقت دارد؛ چرا که عدم رعایت بایسته‌های قانونی بازداشت اداری موجب صدمه جسمی و روانی به غیرنظامیان فلسطینی می‌گردد. از طرفی به تعبیر قاضی کائول^۲، جرایم علیه بشریت وضع شده‌اند تا از حقوق افراد به واسطه‌ی بشر بودن و بهره‌مندی از کرامات انسانی صیانت نمایند (Zakerhossein, 2021: 580). از آنجا که بازداشت‌های اداری صهیونیست‌ها به ناروا حق آزادی افراد را نقض می‌کند، به استناد بندهای (ح) و (ه) می‌تواند به جنایت علیه بشریت تبدیل شده و با پاسخ عدالت کیفری مواجه گردد.

در این رابطه جرایم علیه بشریت مانند سایر جرایم بین‌المللی، متشکل از سه عنصر زمینه‌ای، مادی و روانی است (Cassese & other, 2022: 132 and 142). رکن زمینه‌ای بستر تحقق جرایم علیه بشریت بوده و منظور از آن وجود یک حمله گسترده یا نظام‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی می‌باشد، طوری که عناصر مادی ذکر شده در ماده هفتم اساسنامه رم، بخشی از آن باشند. منظور از رکن مادی این جرایم نیز ارتکاب یکی از رفتارهای مجرمانه اشاره شده در ماده هفتم اساسنامه رم بوده که برخی از آن‌ها در پاراگراف بالا شمرده شد. منظور از رکن روانی در این جرایم نیز آگاهانه و قاصدانه بودن تحمیل رنج و وارد کردن آسیب جدی به جمعیت غیرنظامی می‌باشد. جنایت علیه

^۱ به موجب این قسمت از ماده ۷: «اعمال غیر انسانی دیگر با خصوصیات مشابه که عمداً موجب رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی شود»؛ از مصادیق جرایم علیه بشریت محسوب می‌شود.

^۲ Judge Kaul.

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

بشریت پنداشتن بازداشت‌های اداری فلسطینیان که توسط رژیم صهیونیست مدام صورت می‌گیرد، منوط به اثبات این سه مولفه است که در ادامه آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۳-۱- رکن زمینه‌ای

به استناد ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، به منظور آن که بازداشت‌های اداری صهیونیست‌ها جنایت علیه بشریت فرض شده و در صلاحیت دیوان قرار گیرد، لازم است که این عملیات بخشی از یک «حمله» «گسترده»^۱ یا «سازمان‌یافته»^۲ علیه «جمعیت غیرنظامی»^۳ باشد. در تعریف عبارت «گسترده» عموماً به دو ویژگی مهم «حمله در سطح وسیع» و «تعداد زیاد قربانیان» اشاره شده است (ICTR, 2007: 920). «سیستماتیک» یا «سازمان یافته بودن» یک عمل نیز دلالت بر سطح بالای سازماندهی داشته و شامل ویژگی‌هایی چون ارتکاب پیوسته، دارای طرح و برنامه‌ریزی و... می‌باشد (ICTR, 2007: 920). قید «جمعیت غیرنظامی» نیز دلالت بر ماهیت جمعی قربانیان غیرنظامی دارد. در واقع جنایت علیه بشریت به منظور مقابله با جمعیت غیرنظامی صورت گرفته و لذا جنایت غیرانسانی علیه یک فرد، باعث شکل‌گیری جنایت علیه بشریت نخواهد بود. با این حال کاربست واژه‌ی جمعیت در مقرر به این معنا نیست که کل جمعیت یک کشور می‌بایست تحت تأثیر این حمله قرار گیرد. به حیث نظامی نبودن قربانیان نیز می‌بایست به این موضوع توجه داشت که اگر نظامی‌گری موقعیت و شغل فردی بوده، اما در موقع وقوع جنایت سلاح خود را بر زمین گذاشته و در درگیری‌ها سهمی نداشته باشد، شخص غیرنظامی محسوب خواهد شد (Mousavifar, 2014: 15). علاوه بر این لازم است حمله در پی تقویت یک خط‌مشی و سیاست صورت گیرد؛ چنانکه طبق اساسنامه دیوان، حمله «رفتاری است مشتمل بر ارتکاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند یک بر علیه مردم غیرنظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمانی برای چنین حمله‌ای صورت گرفته شود» (ICC Statute, Prt.7(2)(a)). در نهایت می‌بایست به این موضوع اشاره داشت که مراد از «حمله» در جرایم علیه بشریت لزوماً اقدام مسلحانه نمی‌باشد^۴ (ICTY T.ch 12.6.2002 Para.86). در واقع همان‌طور که در قسمت دوم ماده ۷ اساسنامه آمده

¹ Widespread.

² Systematic.

³ Civilian population.

⁴The prosecutor v. Kunarac et al.

است، این عملیات تنها رشته‌ای از اعمال مجرمانه‌ی مذکور در پاراگراف ۱ این مقررده بوده که ممکن است با یک نوع از این جرایم و یا با انواع متفاوتی از آن‌ها، جمعیت غیرنظامی را در راستای سیاست دولتی یا سازمانی مورد هدف قرار دهد.

در رابطه با تحقق دو عنصر زمینه‌ای «گسترده» و «سیستماتیک» بودن بازداشت‌های اداری فلسطینیان می‌بایست به این نکته توجه داشت که اشغالگران صهیونیستی از سال‌های اولیه اشغال در سال ۱۹۶۷ تا به اکنون به طور فزاینده متوسل به این سیستم شده‌اند. در این رابطه به گزارش الجزیره حدود ۱۹ هزار نفر غیر نظامی فلسطینی در طول سال‌های انتفاضه اول یعنی بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ بازداشت شده‌اند و در طول انتفاضه دوم این تعداد تقریباً مشابه بود. در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ این رقم بازداشت به حدود ۱۸ هزار فقره رسید. در نهایت در سال ۲۰۲۲ سیاست بازداشت اداری بدون تسامح گسترش یافت، طوری که دو هزار و ۴۰۹ نفر فلسطینی در طول این سال بازداشت شده و کماکان حدود ۸۵۰ نفر از این تعداد همچنان در بازداشت اداری باقی مانده‌اند (ISNA, 2023). در نهایت با توجه به بی‌گناه بودن ۸۰ درصد از ۲۳۴۵ فلسطینی که پس از ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ به منظور انتقام از عملیات طوفان الاقصای حماس بازداشت اداری شده‌اند (Taghrib news, 2023)، به نظر می‌رسد کماکان غیرنظامیان فلسطینی قربانیان بازداشت‌های اداری رژیم صهیونیستی هستند. با توجه به اینکه از جمله ویژگی‌های یک عمل سیستماتیک، ارتکاب پیوسته‌ی آن و بهره‌گیری از اهداف سیاسی می‌باشد (Koohestani far and other, 2021: 101)، بازداشت‌های گسترده‌ی غیرنظامیان فلسطینی به‌طور متمادی توسط این رژیم که درصدد تأسیس یک کشور یهودی در خاک‌های فلسطین است، حکایت از سازمان‌یافته بودن این عملیات نیز دارد. در این رابطه گزارشگر ویژه سازمان ملل، فرانچسکا آلبانزه در یک نشست خبری در ژنو گفت: «که اسرائیل از جنگ سال ۱۹۶۷ تاکنون در ابعادی گسترده، به شکل سیستماتیک و فراقانونی صدها هزار فلسطینی را زندانی کرده است» (Akhbar Rooz news agency, 2023). همان‌طور که در قسمت مربوط به رکن مادی گفته می‌شود، این بازداشت‌ها به عنوان عملی غیرانسانی از اعمال مذکور در بندهای (ه)، (ح) و (ک) از قسمت اول ماده هفت اساسنامه می‌باشد که شکل دهنده عنصر لازم «حمله» جهت تحقق جرم علیه بشریت بوده و به منظور متوقف کردن فعالیت سیاسی و اجتماعی فلسطینیان غیرنظامی در اعتراض به سیاست تأسیس کشور یهودی در خاک فلسطین صورت می‌گیرد.

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

بازداشت بدون حکم قضایی قبل از ارتکاب بزه به منظور ممانعت از ارتکاب آن خلاف اصول عدل و انصاف بوده و لازم است در صورت اقتضاء، انجام آن در حداقل سطح ممکن صورت بگیرد. با وجود این همان‌طور که گفته شد، رژیم صهیونیستی به‌طور «گسترده» و «سیستماتیک» اقدام به انجام آن علیه غیرنظامیان فلسطینی به‌منظور سرکوب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان کرده است. به رغم وجود زمینه‌های جنایت علیه بشریت در بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط رژیم صهیونیست، این عملیات از مصادیق رفتار جنایت علیه بشریت در بندهای قسمت اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیست. ولی این سکوت نمی‌تواند در مقام نفی شناسایی بازداشت‌های اداری گسترده و خارج از ضابطه به‌عنوان رفتار سازنده‌ی جرایم علیه بشریت مورد استناد قرار گیرد؛ چرا که برخی عناوین سازنده‌ی جرایم علیه بشریت در قالب عناوین کلی بیان شده‌اند تا پذیرای مصادیقی باشند که به صراحت در نص اساسنامه به آن‌ها اشاره نشده است. این موضوع اشاره به «ابهام خلاقانه»^۱ موجود در اساسنامه دارد که دادرسان دیوان را در تعیین مصادیق یک مفهوم مجهز به تفسیر قضایی می‌کند (Ntoubandi, 2007: 208). در این میان عبارت‌های «تعقیب و آزار» در بند (ح) و «حبس یا محرومیت شدید دیگر از آزادی جسمانی» در بند (ه) و در نهایت «دیگر رفتارهای غیر انسانی»^۲ اشاره شده در بند (ک) بیشترین انطباق را با «بازداشت‌های اداری» صهیونیست‌ها دارد. در ادامه ضمن تبیین این سه عمل، به تشریح این موضوع خواهیم پرداخت که آیا می‌توان بازداشت‌های اداری مذکور را جزو مصادیق آنها دانست یا خیر؟!

الف. حبس

شق (ه) بند اول ماده ۷ اساسنامه ناظر بر «حبس^۳ یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی همراه با نقض قواعد بنیادی حقوق بین‌الملل» است. سند عناصر جنایات، در این رابطه مقرر می‌کند که «مرتکب شخص یا اشخاصی را محبوس یا به نحو شدید دیگری از آزادی فیزیکی محروم کرده باشد؛ به گونه‌ای که مغایر با قواعد اساسی حقوق بین‌الملل باشد». بدین ترتیب این مقررہ موردی را در بر می‌گیرد که یک شخص در فضایی بسته محبوس و از جابجایی و حرکت به مکانی دیگر بازداشته شود. محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی نیز موردی را در بر می‌گیرد که یک نفر

¹ Creative Ambiguity

² Other inhumane acts

³ Imprisonment

می‌تواند در محدوده‌ی مشخصی چون اردوگاه متمرکز رفت و آمد کند (Soleimani, 2018: 103). به هر طریق از آنجا که برای تحقق این حبس و سایر محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی نیازی به صدور حکم محکومیت برای آن‌ها نیست (Rajabi, 2011: 93-94)، به نظر می‌رسد بتوان بازداشت‌های اداری فلسطینیان را بر مبنای آن‌ها جنایت علیه بشریت دانست؛ چرا که همان‌طور که گفته شد این بازداشت به دستور مقام نظامی و به بهانه‌ی بازدارندگی و پیشگیری صورت می‌گیرد. با وجود این از آنجا که برخلاف حبس و سایر محدودیت‌های شدید از آزادی جسمانی در مفهوم بازداشت‌های اداری فلسطینیان نوعی تبعیض مستتر بوده، به گونه‌ای که به پایه‌ی جهات سیاسی، نژادی و مذهبی آزادی آن‌ها سلب می‌گردد، شاید دقیق‌تر باشد بر مبنای «تعقیب و آزار» این عمل را جنایت علیه بشریت دانست. در قسمت بعدی بیشتر به تبیین این مسئله خواهیم پرداخت.

ب. تعقیب و آزار

بنابر اساسنامه رم، منظور از جرم «تعقیب و آزار»^۱، محروم‌سازی عامدانه و شدید یک جمعیت غیر نظامی از حقوق بنیادین خود به علت تعلق آن‌ها به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، نژادی، ملی، مذهبی و... بوده که برخلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد (ICC Statute, 7(2)(G)). همان‌طور که مشخص است، محرومیت از حقوق بنیادی افراد که لازم است بنا به معیار «شدت برابر»^۲ احراز و شناسایی شوند، در تحقق جرم مذکور اهمیت فراوان داشته و منظور از آن حقوقی است که در موازین بین‌المللی چون اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و یا میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یافت می‌شود^۳ (ICTY, Para. 621). از بین این حقوق بنیادین، حق «آزادی شخصی» مورد توجه خاص رویه‌ی قضایی دادگاه یوگوسلاوی سابق قرار گرفته است (Seyrafi, 2008: 106). حق مذکور به معنای آزادی افراد از حبس جسمانی بوده و سلب آن در شرایطی اتفاق می‌افتد که

¹ Persecution.

² equal gravity requirement.

بر این مبنا تنها انکار شدید حقوق بنیادین بشر می‌تواند آستانه وقوع یک جنایت علیه بشریت را تأمین کند. در واقع عمل ارتكابی باید از حیث شدت، برابر با سایر جرایم پیش‌بینی شده در مقرره باشند؛ هر چند نیاز نیست عمل مذکور طبق حقوق بین‌الملل جرم‌انگاری شده باشد (Moosavi & Mirmohammadi, 2011: 99).

³ The Prosecutor v. Kupreskic et al.

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

محدودیت‌های شدید در تردد اشخاص از طریق زندان و بازداشتگاه‌ها ایجاد شده باشد (Hassani & Jalali, 2021: 88).

به‌رغم قانونی بودن «بازداشت اداری» در حقوق بین‌الملل کیفری، رژیم صهیونیستی به‌طور غیراصولی متوسل به این عملیات شده و حق آزادی شخصی فلسطینیان را بر مبنای دلایل سیاسی-ملی-قومی مورد تجاوز قرار می‌دهد؛ چنان‌که این نهاد بیشتر حکم یک ابزار مجازات در دست این رژیم غاصب می‌باشد. در واقع همان‌طور که گفته شد به استناد میثاق‌نامه حقوق مدنی و سیاسی، تنها در صورت وجود یک اضطرار عمومی که جان شهروندان ملتی تهدید می‌شود، می‌توان اقدام به برپایی بازداشتگاه‌های اداری جهت کنترل و مدیریت اوضاع نمود؛ در حالی که رژیم اشغالگر صهیونیستی از سیاست بازداشت اداری در سطح گسترده، به‌منظور حذف فلسطینیان و خفه کردن اعتراض آن‌ها استفاده می‌کند. بدین ترتیب علی‌رغم فقدان شرایط اضطراری خاص، رژیم صهیونیستی مداماً به بازداشت اداری فلسطینیان اقدام کرده، چنان‌که تعداد قابل توجهی از این افراد بازداشت شده، کودکان و زنانی هستند که کمترین توان جهت ایجاد هر گونه خطر جانی و یا هر گونه شرایط اضطراری دارند.^۱ در این رابطه سازمان عفو بین‌الملل صراحتاً به وجود سیستم آپارتاید رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها اذعان کرده و در این میان «بازداشت اداری» را فاحش‌ترین عملکرد ضد حقوق بشری دستگاه قضایی آن دانسته است (defapress, 2022).

نکته‌ای که می‌بایست در اینجا به آن توجه کرد، این مسئله است که عنوان مجرمانه‌ی «تعقیب و آزار» بسیار مبهم و کلی است، طوری که می‌تواند شامل هر گونه اقدام تبعیض آمیزی شود (Bergsmo, 2015: 544). از این رو از منظر اساسنامه‌ی رژیم، عملیات مذکور به‌عنوان یک رفتار تبعیض آمیز ناقض حقوق بنیادین افراد، می‌بایست با یکی دیگر از رفتارهای سازنده‌ی جرایم علیه بشریت مانند قتل عمد^۲ و ریشه کردن^۳، یا با یکی دیگر از جرایم داخل در صلاحیت دیوان مانند

^۱ چنان‌که به ادعای ایسنا، از میان ۲۴۰۹ فقره بازداشت اداری که در سال ۲۰۲۲ توسط رژیم صهیونیست صورت گرفت، ۱۹ نفر آن‌ها کودک بودند (ISNA news agency, 2023).

^۲ Murder

^۳ Extermination

نسل‌کشی^۱ مرتبط گردد^۲ تا به عنوان یک رفتار از جنایت‌های علیه بشریت شناخته شود (ICC Statute, 7(1)(H)). حال باید دید که بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط صهیونیست‌ها واجد این خصیصه می‌باشد و یا خیر. در این رابطه به نظر می‌رسد، «شکنجه^۳» که سازنده‌ی جرایم علیه بشریت است، دارای نزدیک‌ترین ارتباط با بحث عملیات «بازداشت اداری» فلسطینیان باشد؛ چنانکه بر اساس گزارش‌ها، از سال ۱۹۶۷، ۷۳ اسیر فلسطینی به دلیل سهل‌انگاری پزشکی به شهادت رسیده‌اند. این حجم از آسیب باعث ایجاد این تصور شده که سهل‌انگاری‌های پزشکی صهیونیست‌ها در بازداشتگاه‌های اداری، به طور قاعده‌مند و به شکل شکنجه صورت می‌گیرد؛ طوری که یک خبرگزاری داخلی با به کار بردن تیتراژ «بازداشت اداری یا شکنجه نظام‌مند!؟» در مقاله‌ای به این مسئله واکنش نشان داده است (Mizan Online News Agency, 2022). در واقع سیاست سهل‌انگاری عمدی پزشکی باعث تشدید رنج جسمی و روانی اسراء مخصوصاً مجروحین آن‌ها می‌شود و این خود از مصادیق شکنجه است. بر این اساس گروه «پزشکان برای حقوق بشر» در رابطه با نقض حقوق بیماران فلسطینی برای دریافت مراقبت‌های پزشکی و مشارکت پزشکان رژیم صهیونیستی در این شکنجه، شکایتی رسمی به سندیکای بین‌المللی پزشکی علیه انجمن پزشکی رژیم صهیونیستی ارائه کرده‌اند (IRIB News Agency, 2022). علاوه بر این می‌بایست به شکنجه‌ی روانی که ناشی از احساس ناامنی و بی‌ثباتی بازداشت اداری است، توجه نمود. در واقع فلسطینیانی که در شرایط بازداشت اداری قرار می‌گیرند، به علت آنکه دلیل توقیف به آن‌ها اعلان نمی‌شود و ممکن است تا بی‌نهایت در بازداشت باقی بمانند، با فشار مضاعف روانی مواجه می‌شوند؛ چنانکه مدت شش ماهه بازداشت‌های اداری ممکن است بارها تمدید شده و به چندین سال تبدیل شود (Shokri, 2017: 154-155). بدین ترتیب هیچ‌کس نمی‌داند میزان دقیق بازداشت یک فرد در زندان‌های رژیم صهیونیست چه مقدار است، چرا که این موضوع تابع نظر مقامات و

¹ Genocide

² Connection Requirement

³ Torture.

«شکنجه یعنی تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر شخصی که در توقیف یا تحت کنترل است؛ الا اینکه شکنجه شامل درد یا رنجی که صرفاً ناشی از مجازات قانونی بوده، نمی‌شود» (ICC Statute, 7(2)(E)).

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

فرماندهان نظامی می‌باشد. این مسئله حتی باعث ایجاد درگیری روانی برای خانواده‌ی بازداشت شدگان می‌شود.

پ. سایر رفتارهای غیر انسانی

در بند آخر ماده‌ی ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^۱، اشاره به «اعمال غیرانسانی مشابه دیگری» شده است. برای تحقق جرایم علیه بشریت به استناد این بند، می‌بایست اعمال مذکور در صورت «عامدانه بودن» و «ایجاد رنج و صدمه‌ی جسمی یا روحی بسیار» در افراد غیر نظامی، مستلزم خصوصیات «از جنس^۲» سایر رفتارهای سازنده‌ی جرایم علیه بشریت باشند. بدین ترتیب علی‌رغم لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرم^۳ و ممنوعیت توسل به قیاس^۴، این نوع جرم‌انگاری در مقررات بین‌المللی بیانگر این واقعیت است که جامعه بین‌الملل با تمسک به این بند «ته‌مانده^۵»، بتواند هر گونه ارتکاب خشونت‌ی که در فهرست جنایت علیه بشریت نبوده ولی وجدان بشری را متأثر می‌نماید، مجازات کند (Stahn, 2019: 72). در نتیجه مبنای این کیفیت از قانونگذاری، مقتضیات نوین اجتماعی بوده که به دلیل همسنگ بودن آثار و تبعات یک سری اعمال با سایر موارد مذکور در بند ۷ باعث جرم‌انگاری و مجازات آن‌ها می‌شود. حال باید بررسی نمود که آیا بازداشت اداری صورت گرفته توسط رژیم صهیونیست، بر پایه‌ی این بند می‌تواند جنایت علیه بشریت تلقی گردد؟! پیشتر گفته شد که عملیات بازداشت اداری در حقوق بشر مستلزم رعایت یک سری بایسته می‌باشد. عدم رعایت بعضی از این تشریفات مستقیماً باعث ایجاد مرارت‌های روحی و جسمی در بازداشت شده و خانواده او می‌شود. برای مثال گرچه لازم است دلایل بازداشت به فرد بازداشت شده ابلاغ شود، لکن بازداشت شدگان فلسطینی بر اساس دلایل محرمانه‌ای نگهداری می‌شوند که هرگز به آن‌ها یا نمایندگان قانونی آن‌ها ابلاغ نمی‌گردد (Mizan Online News Agency, 2023).

¹ ICC Statute, 7(1)(K)

² Ejusdem generis

بر پایه‌ی این مبنا لازم است، شدت و ماهیت رفتاری که آسیب وارد می‌کند، با سایر رفتارهای غیرانسانی جرم‌انگاری شده در ماده‌ی ۷ قابل قیاس باشد.

³ ICC Statute, Article 22(۱)

⁴ ICC Statute, Article 22(۲)

⁵ Residual Clause

این موضوع باعث سردرگمی شخص بازداشت شده و در نهایت ایجاد فشار مضاعف روانی در وی و خانواده او می‌گردد. علاوه بر این، علی‌رغم لزوم ارائه خدمات پزشکی به افرادی که دچار بازداشت اداری شده‌اند، رژیم صهیونیست خود را ملزم به رعایت این بایسته نمی‌داند؛ چنان‌که همان‌طور که گفته شد فرط سهل‌انگاری پزشکی و عدم ارائه خدمات لازم در این حوزه باعث شده که این موضوع به مثابه «شکنجه» بر جسم شناخته شود. در این رابطه در پرونده‌ی دوچ^۱، از جمله اتهاماتی که به محکومیت متهم ختم شد، ارتکاب جنایت علیه بشریت از طریق سایر رفتارهای غیر انسانی بود. در این پرونده، قاضی دادگاه با بررسی رفتارهای صورت گرفته نسبت به تعداد زیادی از زندانیان اعلام داشت که کمبود مراقبت‌های درمانی و بهداشتی، رفتار سازنده‌ی جرایم علیه بشریت می‌باشد (ECCC, 2010, Para. 372: 129). همچنین از آنجا که از نظر دادگاه کیفری بین‌المللی، رفتارهای عامدان‌های که توانایی افراد جهت اداره یک زندگی معمولی را مخدوش می‌کند، از مصادیق تحمیل آسیب و رنج شدید جسمی و روحی دانسته شده (Zakerhossein, 2021: 584)؛ عدم رعایت بعضی دیگر از این بایسته‌ها که مخل اداره یک زندگی معمولی می‌باشد، باعث تحقق جرایم علیه بشریت می‌گردد. به طور مثال برخلاف ضابطه‌ی اصولی، مدت دقیق بازداشت‌های اداری در بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی مشخص نیست (Ghasemi, 2010: 131). در نهایت می‌بایست به این موضوع اشاره داشت که گرچه بازداشت‌های اداری اهرمی شکلی جهت پیشگیری از ارتکاب جرم بوده، لکن رژیم اشغالگر صهیونیستی از آن به عنوان ابزار کیفری جهت مجازات گروهی فلسطینیان استفاده کرده است (Quds News Agency, 2022).

در رابطه با شرط «خصوصیت مشابه»^۲ با سایر جرایم علیه بشریت که برای تحقق عنوان مورد بحث لازم است، می‌توان در دو سطح کلی و موردی قضیه را مطالعه کرد. در سطح کلی می‌بایست به بند (ح) از قسمت یک ماده ۷ اساسنامه توجه داشت. در واقع سیاست بازداشت‌های اداری فلسطینیان که همراه با رعایت بایسته‌های قانونی این بازداشت بوده، با جرم «تعقیب و آزار» که محروم سازی یک گروه از حقوق بنیادین است، قابل قیاس می‌باشد؛ چرا که مبنای رعایت این بایسته‌ها توجه به حقوق افراد مخصوصاً شخص متهم بوده و عدم رعایت آن‌ها باعث محروم کردن

¹ Duch

² Similar Character.

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

بازداشت شدگان فلسطینی از حقوقشان می‌باشد. در سطح موردی باید به این موضوع اشاره داشت که از نگاه یک فعال و آزاده‌ی فلسطینی با نام محمد علان، سیاست بازداشت اداری که توسط مسئولان صهیونیست علیه فلسطینیان اعمال می‌شود همانند «برده‌داری»^۱ بوده، طوری که سرویسهای امنیتی این کشور می‌توانند بدون هیچ‌گونه ایراد اتهامی افراد را بازداشت و آزاد کند (Irna news agency, 2015). البته از آنجا که در برده‌داری، انسان به مایملک دیگری مبدل شده (Werle and Jessberger, 2020: 401) و این موضوع در بازداشت‌های اداری فلسطینیان قابل ملاحظه نیست، به نظر می‌رسد تعبیر مذکور دقیق نباشد. همچنین همانطور که گفته شد فرط سهل‌انگاری پزشکی و عدم ارائه خدمات لازم در این حوزه باعث شده که رعایت نکردن استانداردهای بازداشت اداری در بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی با عمل مذکور در بند (و) از قسمت یک ماده هفت^۲، از حیث خصوصیت مشابه باشند. مشخص نبودن مدت دقیق بازداشت‌های اداری فلسطینیان و تمدید مکرر آن نیز در خصوصیات با عمل بند مذکور متشابه است؛ چرا که باعث آلام روحی شخص بازداشت شده می‌شود. در نهایت از آنجا که بازداشت‌های اداری ابزار مجازات گروهی فلسطینی‌ها شده است، به علت نقض ماده ۲۳ اساسنامه که مربوط به اصل قانونی بودن مجازات‌ها و لزوم مجازات افراد مطابق با این قانون بین‌المللی بوده، با عمل مذکور در بند (ه) از قسمت یک ماده هفت این اساسنامه^۳ از حیث خصوصیات متشابه می‌باشد.

۲-۳-۲- رکن روانی

جهت تحقق مسئولیت ناشی از ارتکاب جرایم بین‌المللی، علاوه بر عنصر مادی به عنصر روانی نیز نیاز هست. در این رابطه بند یک ماده ۳۰ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری اذعان داشته است که: «جز در مواردی که به نحو دیگر مقرر شده باشد، هیچ کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌توان به دلیل ارتکاب یکی از جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان است،

^۱ Enslavemen

«به بردگی گرفتن به معنای اعمال یک یا تمام اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان است و شامل اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان می‌شود» (ICC Statute, Article 7(3))

^۲ شکنجه

^۳ اشاره به «حبس یا محرومیت شدید دیگر از آزادی جسمانی با نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل».

کسی را مجازات نمود مگر اینکه عنصر مادی همراه با قصد و علم باشد» (ICC Statute, Article 30(1)). بدین ترتیب رکن روانی جرایم متشکل از دو عنصر قصد و علم می‌باشد. عمد در ارتکاب فعل یا ترک آن که با عنوان سوءنیت عام مشهور است، ملازم با عنصر مادی جرم بوده و رفتار می‌بایست تعمدی باشد تا جرم محقق گردد. در نقطه‌ی مقابل در خصوص سوء نیت خاص که جزء دیگر عنصر قصد بوده، این موضوع صحت ندارد؛ طوری که ممکن است به صرف عزم ارتکاب فعل یا ترک آن بدون قصد حصول نتیجه‌ای خاص، بعضی جرایم ارتکاب یابد. البته برشی از قسمت (ب) از بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه اذعان داشته که «با آگاهی از اینکه نتیجه در روند طبیعی حوادث حاصل خواهد شد، قصد نتیجه محقق خواهد شد» (ICC Statute, Article 30(2)(b)). بدین ترتیب سوء نیت خاص ممکن است با قصد «تبعی» یا «غیرمستقیم» که دلالت بر آگاهی از تحقق نتیجه‌ی جرم داشته، بدون آنکه قصد انجام آن موجود باشد، محقق گردد. در رابطه با عنصر «علم» نیز باید گفت که این رکن شامل، علم به موضوع، نتیجه و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم می‌باشد. در این رابطه بند سه از ماده ۳۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره داشته است که: «علم به معنی آگاهی از این امر است که شرایطی وجود دارد یا نتیجه‌ای در روند طبیعی حوادث حاصل خواهد شد» (ICC Statute, Article 30(3)). حال باید دید که جایگاه عنصر روانی در بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط عمال رژیم صهیونیستی به مثابه یک جرم علیه بشریت چگونه است.

بنا بر قواعد حقوق بین‌الملل، برای تحقق مسئولیت ارتکاب جرایم علیه بشریت حضور دو عنصر در رکن روانی ضروری می‌باشد؛ ۱- نیت مجرمانه‌ی لازم جهت تحقق جرایم زمینه‌ساز مذکور در بند اول ماده ۷؛ ۲- علم به وجود رویه منظم و گسترده (Cassese & other, 2022: 142). در رابطه با عنصر اول همان‌طور که گفته شد، علاوه بر قصد، علم مرتکب نسبت به عناصر مربوط به رکن مادی جرم ضروری می‌باشد. بدین ترتیب به منظور آن که بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی به عنوان یک جرم زمینه‌ساز در شکل «تعقیب و آزار» و «حبس»، منتهی به ارتکاب جرایم علیه بشریت شود، لازم است که اولاً علم به تعلق بازداشت شده به گروه‌های فلسطینی وجود داشته باشد. ثانیاً به علت وجود همین علقه، قصد محرومیت ایشان از حق بنیادین آزادی و بازداشت ایشان موجود باشد. همچنین برای آن که بازداشت‌های اداری فلسطینیان بر مبنای آخرین بند از قسمت اول ماده ۷ اساسنامه (سایر اعمال غیرانسانی)، جنایت علیه بشریت فرض شود، لازم است که قصد

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

رنج شدید و صدمه جدی به سلامت جسمی و یا روحی بازداشت شده‌گان فلسطینی به واسطه‌ی عدم رعایت بایسته‌های این عملیات موجود باشد. در عمل به نظر می‌رسد وجود این عناصر در بازداشت‌های اداری فلسطینیان مفروض می‌باشد، چرا که این عملیات عامدانه بوده و انجام آن به صورت تصادفی و یا از سر جهل صورت نمی‌گیرد. در واقع همانطور که گفته شد رژیم اشغالگر صهیونیستی از بازداشت اداری به عنوان ابزار کیفری جهت مجازات گروهی فلسطینیان استفاده کرده و این موضوع نشان دهنده این مسئله است که ابهامی در علم و قصد کارگزاران و گماشتگان صهیونیستی جهت سلب آزادی فلسطینیان و آزار آن‌ها وجود ندارد. از طرفی از آنجا که دادگاه‌های بین‌المللی، در فرمان «سوءرفتار با غیرنظامیان بدون سلاح در سرزمین اشغالی» که آشکارا غیرقانونی است، عذر «دفاع دستور مافوق» را رد می‌کنند (Cassese & other, 2022: 344 and 348)، به نظر پذیرش معاذیر دیگری چون فقدان علم و قصد در این سوءرفتار سخت خواهد بود. بر این مبنا در بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی که مستوجب سوء رفتار با غیرنظامیان فلسطینی است، ادعای فقدان علم و قصد عمال صهیونیست قابل پذیرش نخواهد بود.

از طرف دیگر با استناد به عنصر دوم از رکن روانی جرایم علیه بشریت، لازم است که کارگزار صهیونیستی از رابطه بین بازداشت‌های اداری و یک سیاست یا رویه‌ی منظم آگاه باشد؛ چنان که شعبه‌ی پژوهشی دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه‌ی تادیچ^۱ حکم نمود که لازم است که مرتکب چنان عملی بداند، حمله‌ای علیه جمعیت غیر نظامی در جریان بوده و فعل او جزئی از ساختار آن حمله می‌باشد (Tadij Case, para 248). البته ذکر این نکته در اینجا ضروری است که گرچه «آگاهی از حمله نیازمند مدرکی نیست که نشان دهد که مرتکب ذی ربط از تمام ویژگی‌های حمله یا جزئیات دقیق نقشه یا خط مشی دولت یا سازمان، آگاهی داشته است.» (Ahadi & Hatami, 2023: 317)، لکن با توجه به آنچه که در قضیه‌ی بلاشکیچ^۲ گفته شده، مرتکب باید حداقل از این موضوع که ممکن است فعل وی جزئی از حمله تلقی گردد، مطلع باشد (Lauterpacht and other, 2002: 2). علی‌القاعده بازداشت‌های اداری فلسطینیان مانند سایر اقدامات متجاوزانه رژیم صهیونیستی، به قصد سرکوب نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی خواهانه آنها صورت گرفته و فرض

¹ Tadic.

² Blaškić.

محال است که کارگزاران و گماشتگان این رژیم واقف به این موضوع نباشند. به طور مثال همان طور که گفته شد تنها پس از عملیات «طوفان الاقصی» ۲۳۴۵ فلسطینی گرفتار بازداشت‌های اداری رژیم صهیونیستی شده‌اند. این شدت رفتار پس از آن اتفاق افتاد که «یوآف گالانت»، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی پس از این عملیات حماس با لحنی توهین آمیز فلسطینیان غزه‌نشین را مستحق سخت‌ترین کنترل‌ها و محدودیت‌ها دانست؛ چنانکه صراحتاً گفت: «دستور دادم تا محاصره کامل علیه نوار غزه اعمال شود. دیگر نه خبری از برق هست و نه از غذا و گاز. همه مرزها بسته می‌شود» (The Palestine Information Center, 13 October 2023). این اتفاق نشان می‌دهد که عمال صهیونیستی دقیقاً متوجه سیاست و رویه‌ی منظم رژیم علیه فلسطینی‌ها هستند.

نتیجه‌گیری

جنایت علیه بشریت اعمالی هستند که به عمد توسط دولت‌ها یا از طرف آن‌ها، به‌عنوان بخشی از یک سیاست گسترده یا سازمان‌یافته علیه افراد غیرنظامی در زمان جنگ و یا صلح ارتکاب می‌یابند. گرچه در عرصه بین‌المللی، ماده‌ی هفت اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری به تعریف و تعیین مصادیق این نوع جنایت پرداخته است، لکن یک سری اعمال بوده که علی‌رغم داشتن آثار سوء بین‌المللی، صراحتاً به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت شناخته نشده‌اند. از جمله‌ی این اعمال، بازداشت‌های اداری گسترده و ناروای افراد می‌باشد. منظور از بازداشت اداری، توقیف و بازداشت افراد توسط کارگزاران دولت، بدون حکم قضایی و عموماً به دلایل امنیتی گفته می‌باشد. بدین ترتیب برخلاف حبس جنایی که محکومیت را دادگاه به علت ارتکاب جرمی تحمیل می‌کند، بازداشت اداری مکانیسمی رو به جلو و به‌منظور پیشگیری از ارتکاب جرایم افراد صورت می‌گیرد. در این میان گرچه بسیاری از کشورها جهت مبارزه با تروریسم، مهاجرت غیرقانونی و سایر اهداف مطلوب اقدام به بازداشت اداری می‌کنند، لکن رژیم صهیونیستی بدون هیچ دلیل مشخصی متوسل به این عملیات می‌شود. این مقاله درصدد امکان‌سنجی بازداشت‌های اداری فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی می‌باشد.

از آنجا که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با بهره‌گیری از واژگان عام و اشارات کلی در جرایم علیه بشریت ورود پیدا کرده، این امید ایجاد شده است که با بهره‌گیری از این خصلت بتوان

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

نقصان و خلأهایی را که در اجرای عدالت کیفری ایجاد شده، جبران نمود. در واقع در زمان تدوین این سند بین‌المللی، مدونین آن به ظهور جرایمی مهم در آتی توجه داشته‌اند و استفاده از واژگان عام و اشارات کلی در ذکر مصادیق جرایم علیه بشریت در اساسنامه، بیانگر این واقعیت بوده که آن‌ها در صدد توسعه‌ی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرایم مذکور با استفاده از این راهکار بوده‌اند. بدین ترتیب علی‌رغم وجود عناصر روانی و زمینه‌ای جرایم علیه بشریت در بازداشت‌های اداری فلسطینیان، این رفتار به صراحت در مصادیق جرایم علیه بشریت در بندهای مربوط به قسمت اول ماده ۷ اساسنامه نیامده، ولی به نظر می‌رسد در چارچوب بندهای (ه)، (ح) و (ک) از این مقرر، بتوان این عمل را به مثابه یک جنایت علیه بشریت دانست. در رابطه با عناصر زمینه‌ای و روانی جرایم علیه بشریت، در این مقاله علاوه بر قصد نامشروع، از ویژگی‌های گستردگی، سازمان‌یافتگی و در نهایت حمله علیه جمعیت غیرنظامی صحبت و به احراز آن‌ها در بازداشت‌های اداری صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی به مثابه جنایت علیه بشریت پرداخته شد.

گفته شد گرچه بازداشت‌های اداری فلسطینیان به استناد بند (ه) از قسمت اول ماده ۷ اساسنامه، می‌تواند جنایت علیه بشریت فرض شود؛ لکن از آنجا که در این بازداشت نوعی تبعیض قابل ملاحظه می‌باشد، مطلوب است این اتفاق با استناد به بند (ح) این مقرر صورت پذیرد. منظور از تعقیب و آزار در بند (ح)، محروم‌سازی عامدانه و شدید یک جمعیت غیرنظامی از حقوق بنیادین خود چون حق آزادی به علت تعلق آن‌ها به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، نژادی، ملی، مذهبی و... بوده که برخلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد. به‌رغم قانونی بودن «بازداشت اداری» در حقوق بین‌الملل، رژیم صهیونیستی به‌طور غیراصولی متوسل به این عملیات شده و حق آزادی شخصی فلسطینیان را مورد تجاوز قرار می‌دهد؛ چنان‌که به استناد میثاق‌نامه حقوق مدنی و سیاسی، تنها در صورت وجود یک اضطرار عمومی که جان شهروندان ملتی تهدید می‌شود، می‌توان اقدام به برپایی بازداشتگاه‌های اداری جهت کنترل و مدیریت اوضاع نمود؛ در حالی که رژیم اشغالگر صهیونیستی از سیاست بازداشت اداری در سطح گسترده، به منظور حذف فلسطینیان و ساکت کردن اعتراض آن‌ها استفاده می‌کند. همچنین در بند (ک) با تصریح «اعمال غیرانسانی دیگر»، صحبت از رفتارهایی شده که عمداً موجب رنج یا صدمه شدید به سلامت یا روح می‌گردد. به نظر می‌رسد عدم رعایت بایسته‌های بازداشت اداری توسط کارگزاران رژیم صهیونیست در قالب بند مذکور قابل مطالعه بوده و از این

حیث می‌توان رژیم صهیونیستی را به ارتکاب جنایت علیه بشریت محکوم نمود. البته وجود شرط «خصوصیت مشابه» با سایر جرایم علیه بشریت، برای تحقق رفتارهای بند(ک) لازم دانسته شده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد در بحث بازداشت اداری فلسطینیان از حیث تقنینی، خلأ قانونی جهت تعقیب صهیونیست‌ها به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت وجود ندارد؛ لکن آنچه که مانع از تعقیب بین‌المللی این رژیم می‌شود، فقدان اراده جدی بین‌المللی مخصوصاً در کشورهای غربی و آمریکا جهت حل این مسئله می‌باشد. در واقع ضعف دیوان بین‌المللی کیفری به علت نداشتن منابع و نیروی انسانی کافی و متکی بودن آن به کشورهای مذکور باعث شده که دیوان استقلال تام در تعقیب برخی مرتکبان جنایت علیه بشریت چون کارگزاران و گماشتگان رژیم صهیونیستی نداشته باشد. البته ممکن است در اینجا گفته شود که به علت عدم عضویت رژیم صهیونیستی در دیوان، این سازمان فراملی نمی‌تواند در مورد جرایم این رژیم اعمال صلاحیت کند. لکن با توجه به این که سرزمینی که جنایات علیه بشریت در آن رخ داده متعلق به دولت فلسطین است که اکنون عضو دیوان شده، عدم عضویت رژیم صهیونیستی در دیوان نمی‌تواند مانعی بر سر راه اعمال صلاحیت دیوان باشد. لذا همان‌طور که گفته شد حمایت‌های بی‌دریغ غرب و آمریکا گره بزرگی در مسئله تعقیب بین‌المللی رژیم صهیونیستی ایجاد می‌کند؛ موضوعی که باعث تکرار جنایت‌های علیه بشریت این رژیم علیه فلسطین شده است. به نظر راه حل عملی پایان بی‌کیفری جنایتکارانی چون عوامل رژیم صهیونیستی، ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت استقلال هر چه بیشتر مراجعی چون دیوان بین‌المللی کیفری جهت اتخاذ مواضع منصفانه و عادلانه‌تر می‌باشد.

Translated References to English

- Ahadi, R., Hatami, M. (2023). The Feasibility of Committing War Crimes and Against Humanity by Peacekeepers in The Framework of the Rome Statute. *Journal of Legal RESEARCH*. 22(53). 305-330. [In Persain]
- Akhbar Rooz news agency. (2023). accessibility at: <https://akhbar-rooz.com/?p=209111>. [In Persain]
- Amid, H. (2010). *Amid dictionary*. Tehran: raheroshd Publications. [In Persain]
- Ansar, M. (2001). *Criminal investigation Laws (comparative study)*. Tehran: Samt Publications. [In Persain]
- Bergsmo, M. (2015). *Historical origins of international criminal law*. Brussels: Torkel Opsahl Academic EPublisher.

- Cassese, A., Gatea, P., Baig, L., Fan, M., Gosnell, C., Whiting. (2022). *International criminal law*. Tehran: Nashrenow. [In Persain]
- defapress, publication date. (2022). article ID: 557643, accessibility at: <https://dnws.ir/557643>. [In Persain]
- ECCC. (2010). *Judgment (Kaing Guek Eav alias Duch)*, Case File/Dossier No. 001/18-07-2007/ECCC/TC, Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia, Para. 372, p. 129.
- Fars news, publication date. (2016). accessible at: <http://fna.ir/63SNZ4>. ([In Persain])
- Freedman, L. (2010). *Deterrence*. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persain]
- Ghasemi, S. (2010). Security policies of the Zionist regime in the occupied territories. *Scientific Journal Security Horizons*. 3(6). 115-138. ([In Persain])
- Hassani, M., Jalali, A. (2021). The Pathology of Penal Support for Personal Liberty in Iranian Criminal Law. *Quarterly "Parliament & Strategy"*. 28(107). 87-112. [In Persain]
- https://en.wikipedia.org/wiki/Administrative_detention.
https://www.btselem.org/topic/administrative_detention.
- ICTR, 28 November 2007, Nahimana et al. Case No. ICTR-99-52-A, Appeals Judgment, para. 920.
- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), 14 January 2000, The Prosecutor v. Kupreskic et al, Para. 621.
- International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, The prosecutor v. Konavac ICTY T.ch 12.6.2002 Para. 86.
- IRIB NEWS AGENCY, publication date. (2022). article ID: 3501230, accessibility at: <https://www.iribnews.ir/00EgpS>. [In Persain]
- Irna news agency, publication date. (2015). accessible at: <https://irna.ir/xjcxhq>. [In Persain]
- Irna news agency, publication date. (2019). article ID: 83388033, accessible at: <https://irna.ir/xjtNyC>. [In Persain]
- ISNA news agency, publication date. (2023). article ID: 1402021307838, accessibility at: [Isna.ir/xdNNny](https://isna.ir/xdNNny). [In Persain]
- Koohestani far, I., Najandimanesh, H., Raei, M. (2021). Corruption as a crime against humanity and investigation the jurisdiction of the International Criminal Court to hear it. *Journal of LEGAL RESEARCH*. 21(49). 91-118. [In Persain]
- Lauterpacht, E., Greenwood, C.J., Oppenheimer, A.G. (2002). *International law reports*. Cambridge University Press.
- Mizan ONLINE NEWS AGENCY, publication date. (2022). article ID: 4563852, accessibility at: <https://www.mizanonline.ir/00J9GW>. [In Persain]
- Mizan ONLINE NEWS AGENCY, publication date. (2023). article ID: 4711101, accessible at: <https://www.mizanonline.ir/00JIZV>. [In Persain]
- Moosavi, S., Mirmohammadi, M. (2011). Examining the Crime of Persecution in Light of Bahrain Recent Events. *International Law Review*. 27(43). 87-122. [In Persain]

- Mousavifar, Z. (2014). International Criminal Court and appropriate Law-Making Policy of Islamic Republic of Iran for Criminalizing Sexual Violence. *Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY*. 2(4). 5-37. [In Persain]
- Nemati, L., Seyed Morteza Hosseiny, R., Mahdavi-pour, A. (2020). Anticipatory Approaches to Restraining Terrorism. *Journal of Criminal Law Research*. 8(30). 231-258. ([In Persain]
- Ntoubandi, F. (2007). *Amnesty for Crimes against Humanity under International Law*. Publishers Martinus Nijhoff.
- Parvizi fard, A. (2012). ARRESTING SUSPECT WITHOUT WARRANT BY POLICE: COMPARATIVE STUDY IN IRAN AND ENGLAND'S LAW. *Private law studies quarterly*. 42(2). 75-91. [In Persain]
- Pejic, J. (2005). Procedural principles and safeguards for internment/administrative detention in armed conflict and other situations of violence. *International Review of the Red Cross*. 87(858). 375- 391.
- Quds News Agency, publication date. (2012). article ID: 154851, accessible at: <http://qodsna.com/fa/154851/print>. [In Persain]
- Quds News Agency, publication date. (2022). article ID: 366955, accessible at: <http://qodsna.com/fa/366955/print>. [In Persain]
- Rajabi, A. (2011). *Imprisonment or other severe deprivation of physical freedom constitutes a crime against humanity with emphasis on Article 7 of the Statute of the International Criminal Court*. Thesis for Degree of Master of science (MSC) In International Law. Allameh Tabataba'i University. [In Persain]
- Rome Statute of the International Criminal Court (ICC)
- Seyrafi, S. (2008). *Persecution as a crime against humanity*. Thesis for Degree of Master of science (MSC) In International Law. The University of Tehran. [In Persain]
- Shamloo, B., Khalili paji, A. (2020). Risk-Based Approach to Criminal Policy Against Money Laundering. *Criminal Law research*. 11(1). 127-152. [In Persain]
- Shamlou, B., Yousefi, A. (2017). The concept of public emergency with emphasis on human rights. *The Judiciarys Law Journal*. 80(96). 105-123. [In Persain]
- Shokri, P. (2017). *The Situation of Palestinian Detainees in the light of International law*. Thesis for Degree of Master of science (MSC) In International Law. The University of Qom. [In Persain]
- Soleimani, R. (2018). Analytical examination of examples of crimes against humanity from the point of view of the Statute of the International Criminal Court. *International Journal of Nations Research*. 3(30). 91-110. [In Persain]
- Stahn, C. (2019). *A Critical Introduction to international Criminal law*. Cambridge University Press.
- Taghrib news agency, publication date: 2023-12-24, accessibility at: <https://taghribnews.com/vdciz3aqpt1azz2.cbct.html>. [In Persain]
- Taheri, M. (2010). *The dimensions of crimes against humanity with an emphasis on harassment in the procedure of international criminal courts*. Thesis for Degree of Master of science (MSC) In International Law. Payam Noor University of Tehran Province. [In Persain]
- The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

«بازداشت اداری» فلسطینیان به مثابه جنایت علیه بشریت رژیم صهیونیستی

- The Palestine Information Center, 13 October 2023, available at: <https://farsi.palinfo.com/36093>. [In Persain]
- Werle, G., Jessberger, F. (2020). *Principles of international criminal law*. Oxford University Press.
- Zakerhossein, M. (2021). Prosecuting Economic Sanctions as Crimes against Humanity. *Public Law Studies Quarterly*. 51(2). 575-594. [In Persain]

